

عطایای روحانی و کاربرد آنها (۷)

عطایای دائمی (قسمت دوم)

(اول قرن‌تینان ۸:۱۲-۱۰ و رومیان ۶:۱۲-۸)

در جلسه گذشته از ۱۱ عطای دائمی، ۵ عطای گفتاری را مورد بررسی قرار دادیم و امروز قصد داریم با شما عزیزان، از اول قرن‌تینان ۲۸:۱۲ و رومیان ۸:۱۲-۶، به مطالعه قسمت دوم عطایای دائمی، یعنی ۶ عطای خدمتی که شامل (۱) رهبری (۲) کمک (۳) بخشش (۴) رحمت (۵) ایمان (۶) تمیز ارواح می باشند، بپردازیم.

اولین عطای خدمتی، عطای رهبری است که در اول قرن‌تینان ۲۸:۱۲ اینگونه به آن اشاره شده.

(۱) عطای رهبری

اول قرن‌تینان ۲۸:۱۲ و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اوّل رسولان، دوّم انبیا، سوم معلّمان، بعد قوّات، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر (هزاره: مدیریت) و اقسام زبانها.

به کلمه "تدبیر" که ترجمه فارسی هزاره نو آنرا "مدیریت" و مزده برای عصر جدید "مدیران" ترجمه کرده توجه کنید.

رومیان ۶:۱۲ میگوید که عطایا گوناگون و متفاوت هستند و در آیه ۸ میگوید که پیشوا یا رهبر باید با پرکاری و اجتهاد خدمت کند. بنابراین در این دو بخش از کلام یعنی اول قرن‌تینان ۲۸:۱۲ با کلمه مدیر و در رومیان ۸:۱۲ با رهبر روبرو هستیم.

تعریف مدیر و رهبر

در آیات فوق مدیر و رهبر تقریباً مترادف هستند. هر دو با مدیریت سر و کار دارند.

رهبر، شخص حاکمی است که اعضای کلیسا را اداره و هدایت میکند. مدیر نیز همین کارها را انجام میدهد.

واژه یونانی "kyberneiseis" (کوپر نی سی س)، اشاره به فن ناخدایی دارد. یعنی با سکان، کشتی را هدایت کردن.

شخصی که با مسیر آشنایی دارد و می داند چگونه کشتی را به مقصد برساند.

شخص مدیر، قابلیت دیدن اهداف، و توانایی برنامه ریزی و مجهز کردن افراد برای رسیدن به آن هدف ها را داراست.

مدیریت فقط کاغذ بازی و انجام امور اداری نیست.

مدیر به شخصی که پشت میز ریاست می نشیند و با قلم و کاغذ سرو کار دارد هم، نیست.

مدیر، شخصی است که بتواند مسیر درست را تعیین کند و تصمیم بگیرد.

کسی که قادر به تجهیز اعضای کلیسا برای رسیدن به هدف باشد.

مثل شبانی که مسئول کلیساست.

او کلیسا را صاحب نیست بلکه فقط آن را هدایت می کند.

مسیح به شبان کلیسا، مردم رو میسپاره و هدف را به او نشان می دهد، تا آن ها را برای رسیدن به هدف تجهیز و هدایت کند.

واژه یونانی “*kyberneiseis*” (کای بر نی سی س)، در مکاشفه ۱۷:۱۸ ناخدایی رو در زمان جفای عظیم سقوط اقتصاد جهانی را تصویر میکند و چنین می گوید.

مکاشفه ۱۷:۱۸ و هر ناخدا و کلّ جماعتی که بر کشتیها می باشند و ملاحان و هر که شغل دریا می کند دور ایستاده،...

شکست سیستم اقتصادی بابل به کسانی که در ارتباط با کشتی های تجاری هستند، بستگی دارد.

واژه یونانی “*kyberneiseis*” (کو بر نی سی س)، همان کلمه ای که در اول قرنیتیان ۲۸:۱۲ ترجمه های فارسی رهبر یا مدیریت ترجمه شده است.

کلمه انگلیسی *Cybernetic* که به مفهوم علم مغز و اعصاب / فرمان شناسی / مطالعه چگونگی اداره کردن بدن توسط مغز می باشد، از همین کلمه یونانی گرفته شده است.

در ترجمه یونانی عهدعتیق این واژه چهار بار استفاده شده و آنرا با حکمت مربوط کرده است.

امثال ۵:۱۲ فکرای عادلان انصاف است، اما تدابیر (مشورت) شیران فریب است.

حزقیال ۸:۲۷ اهل سیدون و ازواد پاروزن تو بودند و حکمای تو ای صور که در تو بودند ناخدایان تو بودند.

پس ناخدای کشتی بودن، با حکمت مرتبط است و مطالعه ای که در رابطه با عطای کلام حکمت داشتیم خواندیم که حکمت توانایی حل مشکلات میباشد.

بعبارتی حکمت راه حل های کاربردی برای زندگی روزمره را برایمان مشخص میکند.

تفاوت بین کلام حکمت و حکمتی که در مدیریت میباشد

البته میان کسی که عطای کلام حکمت دارد با شخصی که در مدیریت حکمت دارد تفاوتی هست.

همانگونه که قبلاً هم گفته شد کلام حکمت بیان حقایق کاربردی کلام خدا به مردم دنیاست اما حکمتی که در مدیریت است به شخص این توانایی رسیدن به اهداف را میدهد.

کلام حکمت عطای گفتاری است اما عطای مدیریت گفتاری نیست.

در کلیسا مدیران زیادی وجود دارند که قادر به اعلام حقیقت نیستند.

پس، در کلیسا اشخاصی هستند که عطای رهبری دارند و این مسئله بسیار حساسی است.

آنها قادر به تجزیه و تحلیل اهداف هستند، مسیرهای رسیدن به اهداف را می شناسند و میتوانند برای نیل به آنها، مردم را تجهیز کنند.

اگر بخواهیم عطای رهبری را در دو کلمه یا دو عمل خلاصه کنیم، میتوان از دو کار مسیریابی و تصمیم گیری خلاصه کنیم.

بنابراین، یک رهبر موفق مثل یک ناخدای خوب است که کشتی را از طوفان به سلامت عبور میدهد.

بعضی تصور میکنند که عطای رهبری مثل شبان، شیخ و اسقف فقط سمت یا منصب می باشند. در صورتی که شبانان، مشایخ و اسقفان همه از این عطا برای هدایت اعضا و اداره امور استفاده می کنند، اگر چنین نبود، تیموتاوس بدون آنها نمی توانست کلیسایش را اداره کند.

اول تیموتاوس ۱۷:۵ رهبرانی را که به خوبی رهبری می کنند مخصوصاً آنانی که در وعظ و تعلیم زحمت می کشند، باید مستحق دریافت مزد دو برابر دانست.

عبرانیان ۷:۱۳، ۱۷ و ۲۴ اشاره به رهبرانی در کلیسا میکنند که کلام خدا را اعلام میکنند و با تدبیر و مدیریتشان اداره امور و نظارت جماعت خدا را به عهده دارند.

امروزه بعضی کلیساها و سازمان های مسیحی به روش تک شبانی یا فقط یک رهبر اداره میشوند.

در صورتی که عطای رهبری و مدیریت در کلیسا فقط در سطح رهبران عمل نمی کند بلکه تشکیلاتش خیلی پیچیده تر از این ها است.

در یک کلیسای پویا، همه مشغول خدمت هستند.

همه اعضا به نوعی درگیر خدمت می باشند و به نوعی از عطای مدیریت و رهبری استفاده میکنند.

در عهدعتیق نمونه های زیادی از رهبران روحانی وجود دارند که به یک نمونه آن اشاره می کنم.

یک نمونه عهدعتیق: یترون اولین مشاور در رهبری

در باب ۱۸ خروج ما با یترون پدر زن موسی اولین مشاور رهبر در تاریخ آشنا میشویم.

موسی یک رهبر بسیار روحانی ای بود. وقتی او رهبر قوم شد همه مردم میخواستند شخصاً او را ببینند و ملاقات کنند.

برای شخصی چون موسی بسیار راحت بود که خود را بینظیر ببیند و بخود بگوید که هیچ کس نیست که مثل من مردم را هدایت و رهبری کند. موسی نیز به این درجه رسیده بود. این احساس برای بسیاری از شبانان و کشیشان آشناست.

در چنین وضعیتی، اکثر رهبران دوست دارند که تمام کارها را شخصاً خودشان انجام دهند، چون هیچ کس را نمیبینند که بتواند تمام و کمال و بدون اشکال مشکلات مردم و کلیسا را اداره کند.

حال تصورش را بکنید که این لشکر عظیم از مصر بیرون آمده اند.

برخی از مفسرین میگویند حدود ۲ میلیون نفر یهودی هنگام خروج از مصر با موسی بودند.

و موسی هر روز از صبح تا شب مشغول رفع مشکلات آنان بود.

در کلام خدا می خوانیم که یترون، پدرزن موسی، متوجه مشکل می شود، و با تجزیه و تحلیل کردن آن، چاره ای اساسی می اندیشد و آنرا با موسی این گونه مطرح می کند.

خروج ۱۸:۱۳-۲۷ روز بعد، موسی برای رسیدگی به شکایات مردم در جایگاه خود نشست و مردم از صبح تا غروب در حضور او ایستادند. ۱۴ یثرون وقتی دید که رسیدگی به شکایات مردم، وقت زیادی را می‌گیرد، به موسی گفت: «چرا این کار را به تنهایی انجام می‌دهی؟ چرا مردم را تمام روز سر پا نگه می‌داری؟» ۱۵ موسی جواب داد: «من باید این کار را بکنم، زیرا مردم برای حل مشکلات خود پیش من می‌آیند تا از خدا مسئلت نمایند. ۱۶ وقتی بین دو نفر اختلافی پیش می‌آید، نزد من می‌آیند و من تشخیص می‌دهم که حق با کدامست و احکام و اوامر خدا را به آنها تعلیم می‌دهم.» ۱۷ پدر زن موسی گفت: «این درست نیست. ۱۷ تو با این کار، خود را از پای در می‌آوری و قوم را نیز خسته می‌کنی. تو نمی‌توانی این کار سنگین را به تنهایی انجام دهی. ۱۹ حرف مرا گوش کن و نصیحت مرا بپذیر و خدا تو را برکت خواهد داد. تو در حضور خدا نماینده این مردم باش و مسایل و مشکلات ایشان را به او بگو. ۲۰ دستورات خدا را به آنها یاد بده و بگو که چطور زندگی کنند و چه رفتاری داشته باشند. ۲۱ و ۲۲ در ضمن از میان قوم اسرائیل افرادی کاردان و خداترس و درستکار که از رشوه متنفر باشند انتخاب کن تا میان مردم قضاوت کنند. برای هر هزار نفر یک قاضی تعیین کن. آن قاضی هم به نوبه خود از میان هر هزار نفر، ده نفر را انتخاب کند تا هر یک قاضی صد نفر باشد. هر یک از این ده قاضی به نوبه خود از میان گروه صد نفره خویش دو نفر را انتخاب کنند تا هر یک، قاضی پنجاه نفر باشد. هر یک از این دو قاضی نیز از میان گروه پنجاه نفره خود پنج نفر را انتخاب کنند تا هر یک، قاضی ده نفر باشد. بگذار قضاوت قوم برعهده این افراد باشد و آنها فقط مسایل بسیار مهم و پیچیده را نزد تو بیاورند، ولی مسایل کوچک را خود حل کنند. به این ترتیب، دیگران را در کار خود شریک می‌کنی و بار مسئولیت تو سبکتر می‌شود. ۲۳ اگر این روش را در پیش‌گیری و خواست خدا نیز چنین باشد، آنوقت خسته نخواهی شد و قوم نیز در حالیکه اختلافشان حل شده است، راضی به خانه‌های خویش باز خواهند گشت.» ۲۴ موسی نصیحت پدر زن خود را پذیرفت و مطابق پیشنهاد او عمل کرد. ۲۵ او مردان کاردانی را برگزید و از میان آنها برای هر هزار نفر، صد نفر، پنجاه نفر و ده نفر قضاتی تعیین کرد. ۲۶ آنها مرتب به کار قضاوت مشغول بودند و به مشکلات و اختلافات کوچکتر رسیدگی می‌کردند، ولی برای حل مسایل مهم و پیچیده نزد موسی می‌آمدند. ۲۷ پس از چند روز، موسی پدر زنش را بدرقه کرد و او به ولایت خود بازگشت.

در اینجا نقش یک مدیر و مشاور خوب را میبینیم که چطور متوجه مشکل شده، آن را تحلیل کرده چاره‌ای برای حل آن می‌اندیشد، که همانا، انتخاب و انتصاب رهبران از میان مردم و تقسیم کار بین آنها بود.

این دقیقاً کاریست که یک مدیر یا رهبر انجام می‌دهد، یعنی سکان‌کشتی را به دست گرفته کلیسا را هدایت می‌کند.

A Good Leader

رومیان ۸:۱۲ یکی دیگر از جنبه‌های یک رهبر خوب را معرفی می‌کند که در ترجمه‌های مختلف فارسی اینگونه ترجمه شده است:

پیشوا به اجتهاد / رهبر با جدیت / مدیر پرکار / مدیر جدی

با توجه به ریشه کلمه‌ای که در اینجا اجتهاد، جدیت یا پرکار، ترجمه شده میتوان نتیجه گرفت که منظور اصلی نویسنده عکس‌العمل سریع یا فوری رهبر، برای حل یک مشکل میباشد.

پس، یکی از ویژگی‌های یک رهبر خوب رسیدگی و پیگیری سریع مسائل و مشکلات است.

یعنی به محض متوجه شدن آن، اقدام به رفع مشکل می کند.

در نتیجه، عطای رهبری برای رشد و توسعه کلیسا بسیار حیاتی است.

جالب اینجاست که در کلیسای قرن‌تینان افرادی بودند که عطای رهبری و مدیریت را داشتند، اما از آن استفاده نمی کردند، چون پولس در اول قرن‌تینان ۳۳:۱۴ و ۴۰ به آنها تذکر می دهد که خدای ما خدای بی نظمی نیست.

بنابراین از آنها میخواهد که جلساتشان را با نظم و شایستگی برگزار کنند.

متأسفانه در برخی کلیسا، کار مدیران و شبانان، به یک شغل اداری، که شامل ۸ ساعت پشت میز نشستن و با قلم، کاغذ و تلفن مشغول بودن محدود شده است.

از اینجاست که میفهمیم چقدر بعضی شبانان و مدیران با کلام خدا فاصله گرفته اند.

رهبری و مدیریت در کلیسا، کار ساده ای نیست چون همیشه افرادی هستند که نسبت به کار آنها ایراد میگیرند و منفی بافی می کنند، گوش نمیگیرند و اصلاً زیر بار رهبری آنها نمی روند.

در بعضی مواقع، شرایط خدمتشان، غیر قابل تحمل و بسیار طاقت فرسا میشود.

به همین دلیل، به افرادی که میخواهند در کلیسا خدمت رهبری داشته باشند، توصیه میشود، تا زمانیکه به دعوت خدا مطمئن نشده و در خود این عطا را نمی بینند به آن فکر نکنند.

دومین عطای دائمی خدمتی، عطای "عطای امداد"، "اعانت" یا "کمک" می باشد.

۲) عطای کمک / امداد / اعانت / مددکاری

مطابق با اول قرن‌تینان ۵:۱۲ تمام عطایا نوعی خدمت محسوب میشوند.

اما از میان این خدمات (یا عطایا) یک نوع خدمت ویژه وجود دارد که اول قرن‌تینان ۲۸:۱۲ آنرا امداد، اعانت یا کمک نامیده است.

اول قرن‌تینان ۲۸:۱۲ مقصودم این است که خدا در کلیسا اشخاص معینی را به شرح زیر قرار داده است: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمین و بعد از اینها معجزه کنندگان و شفادهندگان و مددکاران و مدیران و آنانی که به زبانهای مختلف سخن می گویند.

با توجه به رومیان ۷:۱۲ میتوان نتیجه گرفت که این عطای خدمتی در یاری و حمایت از نیازمندان بکار گرفته میشود.

بدینصورت که شخصی باری را از دوش شخص دیگر برداشته آنرا بر دوش خود حمل کند.

کاربرد این عطا همگام با رهبری بسیار مفید و پر ثمر می باشد.

اگر توانایی این کار توسط روح القدس اعطا نمی شد، هیچکس قادر به تحمل بار سنگین آن نمی بود.

ایماندارانی که عطای کمک دارند، در خدمات مختلف مشغول هستند و هر کدام به نوبه خود باری را برای مسیح بر می دارند و نظم و آرامش را در کلیسا برقرار می کنند.

تنوع خدماتی که از طریق این عطا در کلیسا صورت می گیرد، بسیار متفاوت است.

این اعانات و کمکها می تواند، شامل تعمیرات ساختمانی، فضای سبز، پذیرایی، نظافت، امور دفتری، و غیره باشند. در اعمال ۷-۱:۶ می خوانیم که رسولان خدمت رسانیدن غذا به دیگران را به هفت نفر نیک نام پر از روح القدس و حکمت واگذار کردند، تا اینکه خود بتوانند متمرکز خدمت دعا و تعلیم کلام شوند. پولس رسول در اول تیموتائوس ۲:۶ به تیموتائوس می گوید، افرادی که عطیه خدمت دارند می توانند با خوشی، آنرا در کمک و پشتیبانی از یک کارفرمای مسیحی بکار گیرند. یک نمونه بسیار زیبا از کاربرد این عطا، در رومیان باب ۱۶ می باشد. در این باب ۱۶ پولس از کسانی که با خدمات بی نظیرشان به او کمک کردند نام می برد. او چنین میگوید:

رومیان ۷-۱:۱۶ و ۱۲-۱۳ خواهر ما «فیسی» را که خادمه کلیسای «کنخریا» است به شما معرفی می کنم تا او را در اتحاد با خداوند و آن طور که شایسته مقدسین است بپذیرد و در تمام مسائلی که احتیاج به کمک شما دارد به او کمک کنید؛ زیرا او از بسیاری، از جمله خود من، حمایت نموده است. به «پرسکله» و «اکیلا» همکاران من در مسیح عیسی که جان خود را به خاطر من به خطر انداخته اند، سلام برسانید. نه من تنها بلکه تمام کلیساهای غیریهود نیز از ایشان ممنون هستند. به کلیسایی که در خانه آنان تشکیل می شود سلام برسانید. و همچنین به مریم که در میان شما زحمت زیاد کشیده است، سلام برسانید. و به «اندرونیکاس» و «یونیاس» هموطنان من که با من در زندان بودند، سلام برسانید. آنان در میان رسولان اشخاص برجسته ای هستند و قبل از من مسیحی بودند. به «طریفینا» و «طریفوسا» که در کار خداوند فعال هستند و به دوست عزیزم «پرسیس» که در خدمت خداوند زحمت بسیار کشیده است و به «روفس» آن مسیحی برجسته و همچنین مادرش که نسبت به من نیز مانند یک مادر بوده است، سلام برسانید.

این افراد آنقدر برای پولس عزیز بودند که نامشان را در رساله فیلیپیان و افسسیان نیز تکرار می کند. اینان، همکاران، حمایت کنندگان و یاری دهندگان پولس در خدمت بودند. برخی از آنها حتی جانشان را در خدمت به او به خطر انداختن.

ظاهراً خدا اراده کرد تا این بخش از کلام عمداً ثبت شود تا هیچ کس بهانه ای برای خدمت نکردن نداشته باشد. چون از فهرست این نامهها، معلوم است که هر کس، هر خدمتی که از دستش بر می آمد برای خدا انجام می داد. ما نیز موظفیم که از این افراد درس بگیریم و در خدمت به یکدیگر آنچه از دستمان بر می آید، بکنیم.

اینطور که بنظر میرسد، این عطا چندان عطای پر طرفداری نبود چون همه اش صحبت از کمک و برداشتن بار از دوش دیگران است در صورتیکه، عطایای دیگر از جمله نبوت، تکلم به زبانها و شفا بسیار جذاب، هیجان انگیز و خیره کننده، هستند.

به همین دلیل است که اعضای کلیسای قرننیا همه اش دنبال عطایایی بودند که پر سر و صدا و مجلس گرم کن بود. جالب اینجاست که پولس رسول در رساله خود به آنها نام عطای خدمت را درست بین عطایای معجزه، شفا و سخن گفتن به زبانها میآورد.

شاید دلیلش این بوده که او میخواست تا آنها بدانند که عطایا با هم در ارتباطند و با هم کار می کنند. به عبارتی، شخصی که به زبانها سخن میگوید هم با فروتنی خدمت میکند چون فاعل همه این کارها، یک روح می باشد.

سومین عطای دائمی خدمتی، بخشش با سخاوت است که در رومیان ۸:۱۲ به آن اشاره شده است.

(۳) عطای بخشش با سخاوت (Super Giver)

رومیان ۸:۱۲ اگر تشویق دیگران است، باید چنان کنیم. مرد بخشنده باید با سخاوت و مدیر باید پرکار باشد و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد.

از آیه شش همین باب در می یابیم که پولس در اینجا دارد، درباره عطای روح القدس صحبت می کند.

کلام خدا در رابطه با بخشش میگوید.

دوم قرن تیان ۷:۹ هر کس همان قدر بدهد که در دل قصد کرده است، نه با اکراه و اجبار، زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می دارد.

کلام خدا از همه ما دعوت می کند، که بخشنده باشیم و در رابطه با بخشش مسیحی بسیار واضح و روشن سخن گفته است.

نکته جالبی که باید در رابطه با "عطای بخشش" به آن توجه کرد این است که در رومیان ۸:۱۲ آنرا "بخشش با سخاوت" نامیده است، که در اینجا بجای کلمه یونانی "detmi" "دِت می" یعنی بخشنده، از کلمه "دِتامت می" "methadetmi" یعنی "کسی که فوق العاده میبخشد"، استفاده کرده است.

علاوه بر این، کلمه یونانی هاپلوت، haplote که به فارسی "سخاوت" ترجمه شده، در اصل به مفهوم "سادگی" است. سادگی یعنی بی آرایش، به این مفهوم که شخص بدون هیچ هدف و انگیزه دیگری جز آنچه انجام می دهد، در نظرش می گذرد.

فرهنگ لغت Kittle شرح بیشتری در این رابطه می دهد و میگوید که این "بخشش با سخاوت"، بخششی است که با فداکاری و از خودگذشتگی همراه است.

شخصی که با سخاوت یا با فداکاری می بخشد، بدون اینکه حساب و کتاب کند، فقط نیاز را می بیند و تنها انگیزه اش از بخشش، مرتفع کردن نیاز است.

این گونه بخشش امروزه، در عصر فرد گرایی و رکود اقتصادی، در کلیساها بسیار کم دیده می شود.

معمولاً، اکثر مسیحیان، قبل از اینکه اعانه یا هدیه ای بدهند، قبلاً حساب و کتاب می کنند و بعد از زیادتی ای که دارند می بخشند.

اما همانطور که گفته شد، شخصی که عطای بخشش دارد، تنها چیزی که برایش مهم است، این است که چگونه نیاز را رفع کند و با جان و دل فداکارانه میبخشد.

آقای Goday، بر مبنای مفهوم ریشه اصلی لغت بخشش می گوید:

"عمل بخشش در اینجا نشانگر تمایل و رضایت کامل شخص بخشنده، با دلی ساده، عاری از حساب و کتاب کردن و یا غرور است. همانطور که کلام خدا می گوید، دست چپ از آنچه دست راستش می کند بی خبر است. این گونه بخشش، بدون هیچ گونه انتظار برگشت و بلاعوض صورت می گیرد."

بنابراین عطای بخشش، یک بخشش معمولی فراتر است.

این نوع بخشش، معمولاً در انظار مردم انجام نمی شود. اصلاً جنبه نمایشی ندارد.

این عطا حتی به داشتن و نداشتن شخص بخشنده، ربطی ندارد.

بسیاری از افراد ثروتمند هستند که اصلاً بخشنده نیستند و برعکس افراد فقیر زیادی هستند که بسیار بخشنده و حتی با سخاوت نیز میباشند.

مثالها:

یوحنا ۳:۱۲: مریم پاهای مسیح را با پیاله ای از عطر تدهین کرده با موهایش خشک میکند. سپس یهودای اسخریوطی سوال کرد که چرا این عطر به ۳۰۰ سکه نقره فروخته نشد تا به فقرا داده شود. توجه کنید که دستمزد یک روز برابر یک سکه نقره بود. بنابراین آن زن با قلب مملو از محبتش برابر مزد ۳۰۰ روز کار را یکجا صرف میکند. بدون انتظار از اینکه پاداشی در کار باشد.

در اعمال باب ۲ شاهد بخشش اعضای کلیسای اولیه هستیم که چگونه مردم با سخاوت برای رفع احتیاج نیازمندان هر چه داشتند فروختند و مبلغش را نزد پاهای رسولان گذاشتند و رسولان هم به جای این که برای خودشون قصرها بسازند و یا هواپیماهای شخصی خریداری کنند. حالا ممکن است بعضی بگویند که کشیش جانی در آن زمان هواپیما نبود، درسته ولی کشتی بود. کلام خدا می گوید که بین نیازمندان یا فقرا تقسیم می کردند.

در دوم قرن تیان باب ۸ شاهدیم که چگونه ایمانداران مکادونیه با اینکه فقیر بودند اما با اصرار هدایایشان را به پولس برای کلیسای اورشلیم بخشیدن.

برخی از اعضای کلیسای فیلیپیان، عطای بخشش داشتند بطوریکه پولس در انتهای باب ۴ میگوید که اعانه شما بیش از احتیاجم بود.

من در طول زندگی ام با مسیح شخصاً شاهدیم که چگونه بعضی ایماندارانی که دارای این عطا هستند چطور فداکارانه برای کار خدا هدیه های سخاوتمندانه می بخشند.

آقای Norman Grubb در مورد شخص معروفی بنام C.T. Studd که عطای بخشش داشت چنین نوشته است.

آقای C. T. Studd در سال ۱۸۸۰ میلادی، پس از مرگ پدرش، ثروت هنگفتی به ارزش حدوداً ۲۹ هزار پوند به او می رسد. او تصمیم میگیرد که ۲۵ هزار پوند از ثروتش را ببخشد. در ۱۳ ژانویه ۱۸۸۷، و چهار چک به ارزش هر کدام ۵۰۰۰ پوند کشید.

او مثل یک تاجر، سرمایه خود را با نهایت سخاوت در بانک آسمان سرمایه گذاری کرد. از نظر او کارش اصلاً احمقانه نبود. اطمینان کامل به کلام زنده خدا در رابطه با پاداش صدچندان در زندگی جاوید را داشت.

بنابراین، ۵۰۰۰ پوند اول را به انتشارات Moody بخشید تا در شمال هندوستان کتابمقدس چاپ کند. آقای مودی با آن پول موفق به این کار نشد، اما در عوض توانست در شیکاگو انیستیتوی معروف کتابمقدس مودی را افتتاح کند که بتوسط آن مبشرین مرد و زن برای اعزام به جاهای مختلف دنیا تربیت شدند.

۵۰۰۰ پوند دوم، برای آقای George Mueller فرستاده شد، تا ۴۰۰۰ پوند آن برای خدمات میسیونری استفاده کند و با ۱۰۰۰ پوند دیگر یک کلیسای کوچک بنا نماید.

۵۰۰۰ پوند سوم برای تاسیس موسسه معروف Salvation Army پرداخت شد.

۵۰۰۰ پوند چهارم برای خدمت در چین هدیه شد.

در نهایت، ۳۴۰۰ پوند از مبلغ ارث برایش باقی مانده بود که درست قبل ازدواج به همسرش بخشید.

همسرش در پاسخ به اینکار از او پرسید: چارلی عیسی مسیح به آن شخص جوان ثروتمند چه گفت؟ چارلی پاسخ داد هر چه داری بفروش به فقرا بده.

همسرش گفت: پس ما همین کار را خواهیم کرد و بعد از عروسی همه چیز را از سر، آغاز خواهیم کرد.

سپس نامه ای به جنرال Booth سرپرست کل Salvation Army بدین مضمون نوشتند.

ژنرال Booth عزیز، از شنیدن خبر بیماری سخت خانم Booth خیلی متاسفیم. هر دوی ما قلباً با شما همدردی میکنیم. میخواستیم بدانید که چقدر از مطالب نشریه "فریاد جنگ" برکت می یابیم. بدینوسیله چکی به مبلغ ۱۵۰۰ پوند ضمیمه میکنیم، و ۵۰۰ پوند دیگر نیز برای ازدواج آقای تاکر می فرستیم. علاوه بر اینها از بانک خواستم تا بقیه سرمایه ام که معادل ۱۴۰۰ پوند است را برای بقیه نیازهایتان ارسال کند. با این کار تنها بانکی که برایمان باقی میماند آسمان است.

این کارها را در اطاعت از کلام خدا میکنیم که میفرماید:

"تمامی مایملک خود را بفروش و به فقرا بده و نیز میگوید که گنجهای خود را بر روی زمین، جایی که بید و زنگ به آن زیان می رساند و دزدان نقب زده آن را می دزدند، ذخیره نکنید. بلکه گنجهای خود را در عالم بالا، یعنی در جایی که بید و زنگ به آن آسیبی نمی رسانند و دزدان نقب نمی زنند و آن را نمی دزدند، ذخیره کنید. زیرا هر جا گنج توست، دل تو نیز در آنجا خواهد بود."

خدا را برای این فیض شکر میکنیم و امیدواریم که با این عمل بتوانیم جانهای بسیاری را صید کنیم. از آنجائیکه نمیخواهیم مثل حنانيا و سفیره عمل کرده باشیم، صادقانه اعلام میکنیم که مقداری پس انداز برای ما محتاجمان در بانک خود نگه داشتیم آنهم چون کلام خدا میگوید کسی که تدبیر خانه خود را نکند از بی ایمان پست تر است. تمامی جلال را بخدا میدهیم که فکر و قلبمان را با شادی برای این خدمت آماده کرده است. دوست عزیز برایتان در دعا هستیم و امیدواریم که خدا هر دوی شما و خانواده هایتان را برکت بدهد.

در آخر از آنجائیکه کلام خدا میفرماید که دست چپ نباید از دست راست باخبر باشد، من و همسرم هویتمان را با لقب سربازان مسیح امضا می کنیم. شما را به خدا می سپاریم و تمامی جلال را به او می دهیم. آمین

ژنرال Booth هرگز از هویت آنها مطلع نشد. این یک نمونه بارز از "عطای بخشش" است.

آقای Studd و همسرش بعد از اهدای مایملکشان وسائل شخصی شان را بستند و باقی عمرشان را بعنوان میسیونر در آفریقا به سر بردند.

این عطای فوق العاده فقط کار روح القدس است.

نتیجه کمکهای مالی آنها،

تاسیس موسسه میسیونری Hudson Taylor در چین،

تاسیس یتیم خانه George Mueller در لندن،

توسعه خدمات Salvation Army.

انیستیتوی Moddy Bible و بسیاری از این قبیل میباشد.

کار روح القدس اینچنین است. اگر شما هم دوست داشته باشید که در یکی از زمینه های رهبری، کمک یا بخشش، خدا را خدمت کنید فقط کافیست که مطیع کلام خدا باشید.

چهارمین عطای خدمتی دائمی، عطای رحم و شفقت است.

۴) عطای رحم و شفقت

رومیان ۸:۱۲ اگر کسی دارای عطای رحم و شفقت به دیگران است، شادمانه به این کار مشغول باشد.

این نیز عطای کم یابی است که به بعضی از مسیحیان بخشیده می شود.

کلمه یونانی *Eleon* الِ اُن که در اینجا رحم و شفقت ترجمه شده، جزء صفات خدا نیز می باشد.

در مزمور ۱۱:۱۰۳ میخوانیم:

مزمور ۱۱:۱۰۳ زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است.

و در آیه ۱۳ همین مزمور نیز چنین میگوید:

مزمور ۱۳:۱۰۳ چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤوف است، همچنان خداوند بر ترسندگان خود رأفت می نماید.

کلام خدا، هم از فیض و هم رحمت خدا سخن می گوید، اما گاهی تشخیص این دو از هم مشکل است.

انسان از فیض خدا برای گناه و تقصیرهایش (guilt) بهرمنند می شود، اما رحمت خدا برای بیچارگی (mercy) او بکار می رود.

پس خدا با فیضش گناهان ما را می آمرزد و با رحمتش نتایج آن را از زندگی مان می زداید.

در امثال ۲۰:۱۴ میخوانیم که "ثروتمندان دوستان بسیار دارند، اما شخص فقیر را حتی همسایه‌هایش تحقیر می‌کنند." اما در آیه ۲۱ و ۳۱ میخوانیم که با ترجمه به فقرا به خدا احترام می گذاریم.

امثال ۲۱:۱۴ و ۳۱ خوار شمردن فقرا گناه است. خوشبحال کسی که بر آنها ترحم کند... هر که به فقرا ظلم

کند به آفریننده آنها اهانت کرده است و هر که به فقرا ترحم نماید، به خدا احترام گذاشته است.

این آیات آنقدر واضح و مشخص سخن میگویند که نیازی به تفسیر ندارند.

حال نگاهی به هوشع باب چهارم ببینیم. در آیه یک میخوانیم که خدا قوم اسرائیل را محکوم به بی وفایی، بی رحمی و خدا شناسی میکند.

در آن زمان قوم اسرائیل تبدیل به یک ملت بی رحم و ظالم شده بود. انحطاط و گناه آنها آنقدر بود، که همه مردم با بی رحمی به فقرا ظلم میکردند.

هوشع در خاتمه کتابش میگوید که "ای خدا یتیمان (یعنی کسانی که بجز تو کسی را ندارند) از تو رحمت می یابند." (هوشع ۱۴:۳).

بنابراین، یتیمان، فقرا و مظلومان، برای شرایطی که دارند، همیشه به رحمت خدا متوسل می شوند.

در عهد جدید نیز عیسی مسیح در لوقا ۱۰:۳۰ مثال بسیار زیبایی از رحم و شفقت میآورد.

در اینجا عیسی مسیح در گفتگو با یک فقیه یهودی که احتمالاً شخص ثروتمندی هم بود می پرسد؟ در تورات چه نوشته شده و چگونه میخوانی؟

شخص فقیه در پاسخ به عیسی مسیح می گوید:

لوقا ۱۰:۲۷ خداوند خدای خود را به تمام دل و تمام نفس و تمام توانایی و تمام فکر خود محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود. (ترجمه کلاسیک)

و بعد شخص فقیه از روی امتحان از مسیح می پرسد که همسایه من کیست.

و عیسی مسیح در پاسخ به او سرگذشت سامری نیکو را برایش تعریف می کند.

یهودیان از سامری ها متنفر بودند. ولی در سرگذشتی که عیسی مسیح برای شخص فقیه تعریف می کند شخص سامری، در برابر آن دو نفر دیگر، یعنی شخص کاهن و لاوی، تنها کسی بود که از فرمان خدا اطاعت کرد.

آن شخص سامری با رحم و شفقتی که در قلبش نسبت به مرد مجروح داشت، به برطرف نمودن نیاز او اقدام کرد.

مسیح در خاتمه، به شخص فقیه چنین میگوید:

لوقا ۱۰:۳۶-۳۷ به نظر تو کدامیک از این سه نفر (یعنی شخص کاهن، لاوی و سامری)، همسایه آن مرد بیچاره بود؟ مرد فقیه جواب داد: آنکه به او ترحم نمود و کمکش کرد. عیسی فرمود: تو نیز چنین کن. (ترجمه تفسیری)

در متی ۲۷:۹ ترحم مسیح را در شفای دو شخص نابینا میبینیم

و در متی ۲۲:۱۵ در شفای دختر دیوانه یک زن کنعانی.

در متی ۱۴:۱۷ پدری پسرش را که صرع دارد (دیورده بود) نزد مسیح میآورد و مسیح بر او ترحم کرده شفایش میدهد.

در متی ۲۹:۲۰ کوری را که کنار راه نشسته بود شفا میدهد.

سراسر اناجیل شاهد جاری شدن رحم و شفقت مسیح در معجزاتش نسبت به بیچارگان هستیم.

عطای رحم و شفقت در پیروانش عیسی مسیح نیز مشهود بود.

ب عنوان مثال در:

سرگذشت طابیتا / دورکاس

اعمال ۳۶:۹-۴۱ و در یافا، تلمیذه ای طابیتا نام بود که معنی آن غزال است. وی از اعمال صالحه و صدقاتی که می کرد، پر بود. ^{۳۷} از قضا در آن ایام او بیمار شده، بمرد و او را غسل داده، در بالاخانه ای گذاردند. ^{۳۸} و چونکه لُذّه نزدیک به یافا بود و شاگردان شنیدند که پطرس در آنجا است، دو نفر نزد او فرستاده، خواهش کردند که «در آمدن نزد ما درنگ نکنی.» ^{۳۹} آنگاه پطرس برخاسته، با ایشان آمد و چون رسید او را بدان بالاخانه بردند و همه بیوه زنان گریه کنان حاضر بودند و پیراهن‌ها و جامه هایی که غزال وقتی که با ایشان بود دوخته بود، به وی نشان می دادند. ^{۴۰} اما پطرس همه را بیرون کرده، زانو زد و دعا کرده، به سوی بدن توجه کرد و گفت: «ای طابیتا، برخیز!» که در ساعت چشمان خود را باز کرد و پطرس را دیده، بنشست. ^{۴۱} پس دست او را گرفته، برخیزانیدش و مقدسان و بیوه زنان را خوانده، او را بدیشان زنده سپرد.

آیه ۳۶ میگوید که طابیتا (یا دورکاس) پر از اعمال صالحه و بخشش صدقات بود.

کلمه یونانی *الی موسون*، که در اینجا صدقه ترجمه شده از ریشه *eleon* می آید که مفهومی رحم و شفقت است.

بنابراین، میتوان گفت که طابیتا عطای رحم و شفقت داشت.

پس عطای ترحم در کمک به نیازمندان، یتیمان، فقرا، بیماران، بیوه زنان و غیره کاربرد دارد.

یکی از کارهایی که طابیتا می کرد، دوختن جامه و پیراهن برای بیوه زنان بود.

عطای ترحم یک نوع احساس همدردی است که گاهی با بخشش صدقات و اعماله صالحه همراه است.

در اول قرن‌تیان ۱۲:۲۶ میخوانیم که اگر یک عضو دردمند گردد سایر اعضا با آن همدرد می باشند.

عطای ترحم و شفقت با چنین حس همدردی همراه است.

آقای دکتر Criswell، سرگذشت دختر بچه ای را تعریف می کند که وقتی از مدرسه به خانه برمی گردد به مادرش می گوید. امروز بهترین دوستم که به مدرسه آمد خبر مرگ مادرش را برایم تعریف کرد. مادر از دخترش پرسید خوب عزیزم تو به دوستت چی گفتی؟ دخترک جواب داد، مادر هیچی نگفتم فقط کنارش نشستم و باهاش گریه کردم.

شاید این مثال جالبی از عطای ترحم یا همدردی باشد.

رومیان ۸:۱۲ در رابطه با این عطا به ما میگوید که اگر کسی دارای عطای رحم و شفقت به دیگران است، شادمانه به

این کار مشغول باشد (یعنی رحم کننده به سرور).

پنجمین عطای دائمی خدمتی، عطای ایمان است که در اول قرن‌تیان ۹:۱۲ به آن اشاره شده است.

۵) عطای ایمان

عطای ایمان، یعنی بطور خارق العاده ای به خدا اعتماد کردن.

در دوران رسولان این عطا معمولاً با انجام معجزات همراه بود، اما امروزه با دعا و دریافت پاسخ دعا همراه است. در اینجا منظور از ایمان، ایمان نجاتبخش نیست چون همه ما آن را دارا هستیم.

اما عطای ایمان به عده ای خاص داده شده است.

عیسی مسیح در متی ۲۰:۱۷ به آن اشاره میکند.

متی ۲۰:۱۷ زیرا هر آینه به شما می گویم، اگر ایمان به قدر دانه خردلی می داشتید، بدین کوه می گفتید از اینجا بدان جا منتقل شو، البته منتقل می شد و هیچ امری بر شما محال نمی بود. (ترجمه کلاسیک)

پولس رسول نیز به آن اینگونه اشاره می کند.

اول قرنیتان ۲:۱۳ و اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم بحدی که کوهها را نقل کنم و محبت نداشته باشم، هیچ هستم. (ترجمه کلاسیک)

عطای ایمان، عطائست که خدا را فعال می کند.

متی ۲۱:۲۱-۲۲ عیسی در جواب گفت: « هر آینه به شما می گویم اگر ایمان می داشتید و شک نمی نمودید، نه همین را که به درخت انجیر شد می کردید، بلکه هرگاه بدین کوه می گفتید "منتقل شده به دریا افکنده شو" چنین می شد. ^{۲۲} و هر آنچه با ایمان به دعا طلب کنید، خواهید یافت.» (ترجمه کلاسیک)

در اعمال رسولان باب ۲۷ سرگذشت یکی از سفرهای دریایی پولس را می خوانیم که در آن کشتی شان به مدت چندین روز گرفتار طوفان شدید می شود. کشتی صدمه زیادی می خورد و برای ادامه سفر مجبور شده بودند تمام وسائشان را به دریا بیاندازند. پس از گذشت چند روز، همه امیدشان را از دست داده بودند.

اما پولس در آن شرایط بحرانی، بر میخیزد و با اطمینان و ایمانی بی نظیر پیامی به همسفرانش می دهد.

اعمال ۲۷:۲۱-۲۵ وقتی که مدت مدیدی بدون غذا راه پیمودند، پولس در میان ایشان ایستاد و گفت: «ای دوستان، کاش به حرفهای من گوش می دادید و از کزیت سفر نمی کردید تا از این همه آسیب و زیان در امان باشید. ^{۲۲} خوب، حالا که این طور شده از شما می خواهم که خود را نبازید. هیچ آسیبی به جان کسی نخواهد رسید، فقط کشتی از دست خواهد رفت، ^{۲۳} زیرا دیشب فرشته آن خدایی که من از آن او هستم و او را می پرستم در کنار من ایستاد ^{۲۴} و گفت: ای پولس نترس. زیرا تو باید در حضور امپراتور حاضر شوی و خدا جان همه همسفرانت را به تو بخشیده است. ^{۲۵} پس آقایان باید قویدل باشید، زیرا من به خدا ایمان دارم و می دانم همان طوری که به من گفته است خواهد شد.

در اینجا شاهد ایمانی بی نظیر هستیم که توسط عطای روح القدس بخشیده شده.

پولس علی رغم شرایط بد، اطمینان داشت آنچه فرشته خدا به او گفته، انجام خواهد شد.

این عطا باید برای اعتماد به وعده های کلام خدا بکار گرفته شود.

امروزه کلیسا نیاز به افرادی دارد که با استفاده از چنین عطایی، خدا را خدمت کنند و با ایستادن بر تعالیم راستین و وعده های بی نظیر خدا، کلیسایش را در این دریای طوفانی که گرفتار امواج سهمگین بی خدایی، تعالیم غلط معلمین کاذب، سیاست دنیا، روانشناسی و غیره شده، تشویق و تقویت نمایند.

خوشبختانه کلام خدا پر از شهادت این گونه مردان است.

عبرانیان باب ۱۱ به مردان و زنانی اشاره می کند که با استفاده از عطای ایمان، افتخارات و پیروزیهای بی نظیری کسب کردند که از این قرارند:

عبرانیان ۳۳:۱۱-۳۸ که از ایمان، تسخیر ممالک کردند و به اعمال صالحه پرداختند و وعده ها را پذیرفتند و دهان شیران را بستند، سوزت آتش را خاموش کردند و از دم شمشیرها رستگار شدند و از ضعف، توانایی یافتند و در جنگ شجاع شدند و لشگرهای غربا را منهزم ساختند. زنان، مردگان خود را به قیامتی باز یافتند، لکن دیگران معزب شدند و خلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتر برسند. و دیگران از استهزاهای و تازیانه ها بلکه از بندها و زندان آزموده شدند. سنگسار گردیدند و با آزه دوپاره گشتند. تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند. در پوستهای گوسفندان و بزها محتاج و مظلوم و ذلیل و آواره شدند. آنانی که جهان لایق ایشان نبود، در صحراها و کوهها و مغاره ها و شکافهای زمین پراکنده گشتند.

ما نیز، در در دوران خود شاهد رشادتها و جان فشانی قهرمانان ایمان هستیم.

مبشرینی که در شرایط بسیار سخت از جان خود گذشته به جاهای دور سفر کردند و پیام انجیل را به مردم سرزمین های دوردست رساندند.

آقای Hudson Taylor ایمان داشت که خدا عده زیادی از مردم چین آن دوران را نجات خواهد داد، و اینطور هم شد. او در آنجا خدمات ارزنده ای در راه تبشیر انجیل انجام داد.

آقای George Mueller نیز به همینطور.

در کشور عزیزمان ایران، برادرانی چون کشیش دیباج، هایک، میکائیلیان، سودمند و بسیاری دیگر جان بر کف، خدا را خدمت کردند و افتخارات آفریدند.

امروزه، کار خدا در کلیسا، توسط مردان و زنانی پیش می رود که با استفاده از عطای ایمان زندگی و در خدمت میکنند.

شاید افراد مشهوری نباشند، یا مسئولیت های به ظاهر مهمی نداشته باشند، اما ایمان بس عظیمی دارند و در پیش برد ملکوت خدا بسیار موثر و افتخار آفرینند.

اگر شما این عطا را دارید حتماً ازش استفاده کنید.

ششمین و آخرین عطای دائمی خدمتی، عطای تمیز یا تشخیص ارواح می باشد که در اول قرنیتیان ۱۰:۱۲ به آن اشاره شده است.

۶) عطای تمیز یا تشخیص ارواح

بحث بسیاری در رابطه با کاربرد عطای تمیز ارواح شده و نظرات متفاوتی در رابطه با آن وجود دارد.

کلمه یونانی دیاکرنو *diacreno* که به فارسی "تمیز" ترجمه شده به مفهوم قضاوت یا تشخیص واقعیت، می باشد

کاربرد این عطا در گذشته مثل پلیس در از کلیسا محافظت می کرد.

قبل از اینکه کلام خدا (عهد جدید) نوشته شود، افراد زیادی ادعا داشتند که از طرف خدا پیامی برای کلیسا دارند. هر کس می آمد و از طرف خدا سخن می گفت و ادعا می کرد که نبی است و از طرف روح القدس سخن میگوید. تشخیص اینکه چه کسی راست می گوید بسیار مشکل بود.

بنابراین، افرادی هم بودند که خدا به آنها عطای تشخیص این کار را داده بود.

آنها به صراحت قدرت تشخیص و قضاوت در مقابل اینکه چه کسی از طرف خدا سخن میگوید و چه کسی از ارواح پلید است، را داشتند.

مشکل کلیسای قرن نهمین بود که، افرادی که این عطا را داشتند، یا از آن استفاده نمی کردند و یا اینکه از آن بیخبر بودند.

به همین دلیل عده ای در جلسات پرستشی مسیح را لعنت می کردند ولی کسی جلوی آنها را نمی گرفت.

اول قرن نهمین ۳:۱۲ پس باید بفهمید که اگر کسی تحت تأثیر روح خدا باشد، نمی تواند عیسی را لعن کند...

اگر کسی عطای تشخیص ارواح داشت می بایست می ایستاد و فوراً می گفت که این از روح القدس نیست.

پولس رسول در اول قرن ۱۴:۲۹ از ایمانداران کلیسا می خواهد که از این عطا استفاده کنند.

اول قرن نهمین ۲۹:۱۴ آن دو یا سه نفری که قرار است نبوت کنند، صحبت نمایند و دیگران درباره گفتار ایشان قضاوت کنند.

در اعمال ۱۶ میبینیم که پولس رسول این عطا را به کار می گیرد.

اعمال ۱۶:۱۶-۱۸ یک روز که به محل دعا می رفتیم به کنیزی برخورد کردیم که روح فالگیری و غیبگویی داشت و از این راه منافع سرشاری نصیب اربابان خود کرده بود. او به دنبال ما و پولس افتاد و فریاد می کرد: «اینان غلامان خدای متعالند و راه رستگاری را به شما اعلام می نمایند.» چند روز کارش همین بود تا سرانجام حوصله پولس سر آمده به سوی او برگشت و به آن روح گفت: «به نام عیسی مسیح به تو فرمان می دهم از او خارج شو.» و در همان لحظه از او خارج شد.

قطعاً پولس به خاطر سخنان کنیز نبود که روح بد را در آن کنیز تشخیص داد، چون حرف بدی نمیزد.

پولس از عطای تشخیص ارواح استفاده کرد. در آن زمان این عطا برای تشخیص اعمال تقلیدآمیزی که شیطان در کلیسا انجام میداد استفاده میشد.

امروزه ما با تطبیق مطالب با کلام خدا قادر به تشخیص معلمین یا آموزه های غلط هستیم.

در تاریخ کلیسا آمده که نهضتی با تعالیم بدعت آمیز، بنام Montanism ظهور کرد و بسیار مخرب بود.

اما با کمک عده ای که عطای تمیز ارواح داشتند، به راحتی جلوی فعالیت این نهضت گرفته شد و کلیسا از خطر انحراف محفوظ ماند.

عطای تشخیص ارواح در رابطه با واقعی یا جعلی بودن عطایا نیز بکار برده می شود.

در اعمال باب ۵ میبینیم که پطرس چگونه در مقابل حنانيا و سفيره با استفاده از اين عطا قضاوت می کند. امروزه اين عطا نیز میتواند در رابطه با تشخيص ارواح پلید، ریاکاری، معلمین کاذب یا تعلیم غلط به کار گرفته شود. کسانیکه اين عطا را دارا هستند، باید مواظب باشند که حتماً آنها در محبت به کار بگیرند. بنابراین در رابطه با شش عطایای خدمتی، عطاى رهبری هدایت ایمانداران را بعهده میگیرد، عطاى خدمت در جهت حمایت رهبران عمل میکند، عطاى بخشش در خدمت به تامین نیازمندان بکار برده می شود، عطاى ترحم در همدردی با بیماران و فقرا کار می کند. عطاى ایمان، کارهای خارق العاده خدا را انجام می دهد. و در نهایت عطای تشخيص ارواح، کلیسا را از شارلاتان ها و افراد دروغین حفظ می نماید. اين عطایا همراه با عطایای گفتاری، بطور دائمی در جهت تکمیل کلیسای مسیح عمل می کنند. جلسه آینده به مطالعه اولین قسمت از عطایای موقت خواهیم پرداخت. فیض و برکت خداوند با همه شما باشد و بماند.